

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



حضرت آیت اللہ محمد رضا مہدوی گنے (سرخ)



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: شرح دعای افتتاح

مؤلف: حضرت آیت الله محمدرضا مهدوی کنی (ره)

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

صفحه آرا: سیداحمد سجادی

طراح جلد: محمدحسین بصیری

نمایه ساز و ناظر نسخه پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان

چاپ اول: ۱۴۰۴ / قیمت: ۴/۸۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۵۰۰ نسخه / شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۹۴-۷

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخرزایی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۲ و ۳

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۴۶۰۳، تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱

فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: <https://isupub.ir> • E-mail: pub@isu.ac.ir

دعای افتتاح، شرح.

عنوان و نام پدیدآور: شرح دعای افتتاح/تالیف محمدرضا مهدوی کنی.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری: ۲۷۷ص/شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۸۱-۰۹۴-۷

موضوع: دعای افتتاح

موضوع: دعاها

شناسه افزوده: مهدوی کنی، محمدرضا، ۱۳۱۰-۱۳۹۳

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

رده بندی کنگره: BP ۲۷۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۴ / شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۲۳۹۴۹

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی،

انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست

۱۱	پیشگفتار.....
۱۳	مقدمه
۲۱	فصل اول: دعا و آداب آن
۲۱	معنای دعا
۲۲	هدف از دعا
۲۳	نشانه ایمان و نشانه نفاق
۲۵	ذکر خدا بی اندازه است
۲۸	یادآوری
۳۰	مقصود از ذکر خدا و ذکر کثیر
۳۱	ذکر لا اله الا الله
۳۱	ذکر جامع
۳۲	ذکر خدا و ترک گناه
۳۳	ذکر «یا الله» و «یا رب»
۳۶	دعا نشانه نیاز به خدا
۳۸	دعا قضای الهی را برمی گرداند
۴۰	ابعاد تربیتی و معرفتی دعا
۴۴	شرایط دعا
۴۴	بهترین وقت برای دعا
۴۷	آداب دعا
۵۷	ردّ مظالم
۶۰	ابعاد عرفانی دعا

۶۲	دعا و ایجاد آرامش
۶۳	بها دادن به عواطف و احساسات درونی
۶۵	فصل دوم: شرح دعای افتتاح
۶۵	فراز اول: ستایش پروردگار
۶۶	واژه های ستایش پروردگار
۶۶	تَنَاء
۶۷	حمد
۷۱	شکر
۷۳	تذکر
۷۴	فَكَمَّ يَا إِلَهِي مِنْ كُزْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا، وَهَمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقْلَيْتَهَا
۷۴	نکته ادبی واژه «كَمَّ»
۷۵	انواع سختی ها
۹۰	نکته ضروری در شناخت خداوند متعال
۹۱	اشتباه بشر
۹۲	کمال مطلق
۹۳	اقسام مالکیت
۹۸	فراز دوم: معنای حمد و شکر
۹۸	چند نکته مفید در باره حمد و شکر
۱۰۰	انواع حمد و ستایش در دعای افتتاح
۱۰۹	فاش بودن امر الهی
۱۱۰	انواع توحید
۱۱۰	توحید ذاتی
۱۱۳	توحید صفاتی
۱۱۸	توحید افعالی
۱۲۴	شرک پنهان و شرک آشکار
۱۳۲	خلق و امر و تدبیر خداوند در عالم
۱۳۴	معنای «كُنْ فَيَكُونُ»
۱۳۶	امر تکوینی و تشریحی

۱۴۳.....	نکاتی چند در گسترهٔ جُود و بخشش خداوند
۱۴۳.....	آیا خدا دست دارد که با گشودن آن به بندگانش بخشش کند؟
۱۴۴.....	خزائن خداوند چیست؟
۱۴۵.....	خزائن خدا در نهج البلاغه
۱۴۶.....	خزائن خدا در صحیفه سجادیه
۱۴۶.....	تفسیری از خزائن
۱۴۸.....	کثرت عطا چگونه باعث زیادی جود و کرم خدا می شود؟
۱۵۲.....	رسیدگی و سرپرستی یتیمان
۱۵۳.....	بهترین شیوه در سرپرستی یتیمان
۱۵۶.....	فراز سوم: لطف و کرم نامتناهی
۱۵۹.....	واژه جُنّاح
۱۶۳.....	دو نکته زیستی و عاطفی
۱۷۰.....	فراز چهارم: شب های قدر
۱۷۱.....	معنای «خدا مالک است»
۱۷۲.....	ابداع کننده قوانین و سنت ها
۱۷۴.....	علم و دین
۱۷۷.....	شب های قدر و نزول قرآن
۱۷۸.....	چرا این شب را شب قدر می گویند؟
۱۷۹.....	اهمیت شب قدر
۱۸۲.....	تصویب مقدرات
۱۸۵.....	توبه و محاسبه
۱۸۷.....	اعمال مخصوص شب قدر
۱۹۸.....	ذات بی همتا
۲۰۰.....	فراز پنجم: استکبار در برابر استضعاف
۲۰۱.....	استضعاف و استکبار - جبار و ظالم
۲۰۱.....	استکبار در برابر استضعاف
۲۰۳.....	استخفاف حربه استکبار
۲۰۷.....	رواج فساد زمینه ساز استخفاف است

۲۰۸	مستضعف و مستکبر در قرآن
۲۰۹	اما آیات قرآن
۲۱۲	عوامل استضعاف
۲۱۲	جهل و نادانی
۲۱۲	علم و جهل چیست؟
۲۱۳	تزلزل و تذبذب
۲۱۵	نکته قابل توجه
۲۱۸	فراز ششم: هدایت خدا و صلوات بر پیامبر ﷺ
۲۲۳	مقام بندگی خداوند
۲۲۴	صلوات یعنی چه و برای چه؟
۲۲۵	آیا صلوات بر پیامبر و آل موجب ترفیع مقام برای آن‌هاست؟
۲۳۰	صلوات ابتر
۲۳۲	فراز هفتم: علی (ع) آیت کبرای حق
۲۳۴	حضرت علی امیر مؤمنان
۲۳۴	وصی رسول خدا (حدیث یوم الدار)
۲۳۶	ولایت و زعامت امت
۲۳۶	معنای ولایت
۲۴۰	علی آیت کبرای حق
۲۴۰	بزرگ‌ترین آیت خدا
۲۴۲	علی انسان نامتناهی
۲۴۳	وصف علی (ع) از زبان ضرار، به گونه‌ای دیگر
۲۴۴	یار مظلوم؛ دشمن ظالم
۲۴۷	فراز هشتم: ظهور امام زمان (عج)
۲۴۹	اشارات آخرین بخش دعا به چند موضوع و نکته
۲۴۹	اشاره به سوره نور
۲۴۹	اشاره به زمان ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
۲۵۰	اشاره انتظار دولت کریمه
۲۵۱	چند نکته مهم

فهرست مطالب * ۹

۲۵۵	منابع و مأخذ
۲۶۳	نمایه
۲۶۳	فهرست آیات
۲۶۹	فهرست روایات
۲۷۵	فهرست اعلام

پیشگفتار

دعای افتتاح از دعاهای شب‌های ماه مبارک رمضان است که محمد بن عثمان از نایبان خاص امام زمان (عج) آن را نقل کرده است. شروع دعا با حمد و ثنای الهی با این عبارت «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَبِيحُ الشَّأْنَ بِحَمْدِكَ» دلیل نام‌گذاری این دعا به نام «افتتاح» است. این دعا شامل مطالبی درباره خداشناسی، لزوم خوف و رجاء، توفیق عبادت، حکمت تأخیر استجاب دعا و ارزش مناجات با خدا است. بند آخر این دعا به اظهار علاقه به دولت اسلامی در پرتو ظهور امام مهدی (عج)، بیان هدف حکومت اسلامی و وظیفه شیعیان در قبال آن پرداخته است.

درباره دعای افتتاح شرح‌های متعددی نوشته شده است از جمله:

شرح شیخ شهاب‌الدین محمد بن موسی بزچلوئی اراکی (متوفای ۱۳۱۳ق) از شاگردان حکیم سبزواری که از سوی انجمن تبلیغات اسلامی تهران (۱۳۲۴ش) منتشر شده است و خوانندگان محققان محترم خود می‌توانند شروع دیگری را احصاء نمایند.

کتاب حاضر «شرح دعای افتتاح» یادگار ماندگار مرحوم آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی است. این کتاب، حاصل سخنرانی‌هایی است که ایشان در دهه ۶۰ شمسی از رادیو ایراد فرمودند. صدای آرام و بیان شیوای ایشان در تشریح مضامین عمیق دعای افتتاح، خاطره‌ای خوش برای بسیاری از شنوندگان نسل گذشته رقم زد و در آن ایام جان‌های بسیاری را صیقل داد و اکنون نیز پس از گذشت سال‌ها، تازگی و طراوت خود را حفظ کرده است.

این سخنرانی‌ها توسط جناب حجت الاسلام والمسلمین نورالله علیدوست خراسانی در سال ۱۳۸۱ تنظیم، تدوین و به رشته تحریر درآمد و برای نخستین بار توسط انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی به چاپ رسید. با گذشت زمان و به دلیل استقبال مستمر اهل معرفت و استدعای ایشان، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله مهدوی کنی، ضرورت بازنشر این اثر ارزشمند را احساس نمود.

در این ویرایش، با حفظ کامل متن اصلی و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرف محتوایی، صرفاً با ایجاد فصل‌بندی مناسب و ساماندهی جدید و تنها با اضافه کردن متن دعا و ترجمه در اول هر فراز و نیز اعراب‌گذاری آیات، روایات و متون عربی سعی شده است تا مطالعه و درک آن برای خوانندگان محترم آسان‌تر گردد.

در خاتمه، بر خود فرض می‌دانم از زحمات بی‌شائبه جناب آقای علیدوست که در آغاز، این گوهر گران‌بها را صیقل داده و عرضه نمودند و نیز از برادر گرامی جناب آقای محمد محمدی که در ویرایش این مجموعه ما را یاری دادند و از آقای سیداحمد سجادی که در اعراب‌گذاری آیات و روایات و متون عربی تلاش نمودند و نیز از همکاران محترم انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام صمیمانه سپاسگزاری نموده و از درگاه ایزد متعال، توفیق همگان را در بهره‌گیری از انوار این دعای شریف و عمل به مضامین آن مسئلت دارم و به فال نیک می‌گیرم در ایامی این مجموعه تقدیم مؤمنان و مومنات می‌شود که مصادف است با ایام جسته حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهراء سلام الله علیها و سلاله آن حضرت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی رحمه الله علیه، امید آنکه مشمول خیر دعای حضرت استاد باشیم.

مدیر دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله محمد رضا مهدوی کنی

محمد مهدی اسلامی

مقدمه

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الظَّاهِرِينَ؛ سَيِّمَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْعَالَمِينَ.

ماه مبارک رمضان ماه عبادت و خودسازی است. در این ماه به اعمال و عبادات بسیاری از جمله دعا توصیه شده است. دعاهاى ماه رمضان بسیار است که در میان آن‌ها دعای افتتاح دعای ابوحمزه ثمالی و دعای سحر از همه معروف‌تر و مشهورتر است. در این رساله به ترجمه و شرح دعای افتتاح می‌پردازیم و از خداوند متعال می‌خواهیم که توفیق شرح دعای ابوحمزه و سحر را نیز عنایت فرماید.

مضامین دعای افتتاح

نام این دعا افتتاح است؛ زیرا این دعا با حمد و ثنای الهی اینگونه آغاز می‌شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَتِحُ الشَّانَةَ بِحَمْدِكَ...»؛ «بارخدايا، من ثنای تو را با حمدت آغاز می‌کنم». دعای افتتاح از سه بخش کلی تشکیل می‌شود که نخستین آن با حمد و ثنای الهی آغاز می‌شود و بسیاری از معارف دینی به زبان حمد و ثنا و تسبیح و راز و نیاز و سوز و گداز بازگو می‌گردد. در این بخش واژه‌های حمد و مدح و ثنا و تسبیح بیش از نوزده بار تکرار می‌شود و به ما می‌آموزد که در مقام دعا و راز و نیاز با پروردگار متعال سخن را چگونه آغاز کنیم و چگونه به پایان بریم.

در بخش دوم صلوات بر محمد و آل او (ص) با اوصاف ویژه مطرح می‌شود. بخش سوم به مسئله انتظار فرج و شکایت از غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه، و کثرت دشمنان و قلت مؤمنان و آرزوی ظهور دولت کریمه و آمادگی

برای جان فشانی و خدمت در آن دولت می پردازد و بالاخره با دعا برای نصرت و عزت مسلمانان پایان می پذیرد.

دعای افتتاح در شب های ماه مبارک رمضان قرائت می شود و این دعا دارای مضامین عالیه از حمد و ثناء الهی و راز و نیاز عارفانه و صلوات و درود بر معصومین (ع) و در پایان، دعا برای ظهور باهَر التَّوَر حضرت مهدی آروا حُنَّا لَهُ الفِداء، و تشکیل حکومت کریمه آن امام همام است و ترجمه و شرح آن با زبان ساده برای عموم مؤمنان مفید است تا هنگام قرائت به مفاهیم آن توجه داشته باشند و با حضور قلب با خدا راز و نیاز کنند و با عرفان و شناخت بیش تر و با صفا و اخلاص در پیشگاه ربوبی عرض حاجت نمایند. ضمناً باید دانست هر چند خداوند سبحان اذن داده است که ما همه چیز را از کوچک و بزرگ از او بخواهیم ولی شایسته است که مطالب و هدف های عالی را در اولویت قرار داده و حاجت های کوچک و ناچیز را در مرتبه دوم از او درخواست کنیم که در پیشگاه شخص بزرگ از کوچک و خرد آغاز کردن زیبنده نیست.

از این رو، اقتضاء دارد که پیش از ورود در شرح و تفسیر دعا به نکاتی اشاراتی داشته باشیم:

۱. سند دعای افتتاح؛ ۲. فضیلت ماه رمضان؛ ۳. اهمیت دعا و آثار و آداب آن.

۱. سند دعای افتتاح

سید بن طاووس سیدرضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس در کتاب «الاقبال بالأعمال الحسنه»، به سند خویش، این دعا را از کتاب دعای ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمّری (رضی الله عنه) نقل کرده و می نویسد: در این کتاب دعاهای بسیاری وجود دارد که ابوجعفر محمد بن عثمان (ره) به خواندن آن اهتمام داشته است.

سید بن طاووس می گوید: من از آن کتاب دعاهای فراوانی را نسخه برداری کردم و از جمله آن ها همین دعای افتتاح است که در شب های ماه رمضان خوانده می شود.^۱

۱. سید بن طاووس، الاقبال بالأعمال الحسنه، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، جزء اول، طبع دوم، ص ۱۳۸. سید (ره)

نگارنده می گوید گرچه این دعا به حسب ظاهر از امام معصوم نقل نشده است لکن با توجه به این که ابوجعفر محمد بن عثمان بن سعید عمری (ره) از ثواب خاص^۱ حضرت بقیه الله - رُوحِي لَهُ الْفِدَاءُ - بوده و به خواندن این دعا مداومت داشته و نیز با توجه به مضامین عالیله دعا و اعتماد مرحوم سید بن طاووس، می توان اطمینان پیدا کرد که این دعا از ناحیه مبارکه امام عصر عَجَّلَ اللهُ لَهُ الْفَرَجَ، و یا از سایر معصومین (ع) بدست ایشان رسیده باشد. وَاللَّهُ الْعَالِمُ.

۲. ماه رمضان ماه عبادت و روزه داری

ماه مبارک رمضان ماه خدا ماه نزول قرآن ماه آغاز وحی ماه نبوت و ولایت ماه رحمت ماه مغفرت ماه برکت و ماه عنایت های ویژه خداوند متعال است. ماهی که مؤمنان و علاقه مندان به تعالیم عالیله قرآن با شور و شوق فراوان به درگاه خدا روی می آورند و با اداء فرایض و سنن اسلامی مراتب اطاعت و فرمانبرداری خویش را به پیشگاه پروردگار بزرگ ابراز می دارند تا از این راه به او تقرب جویند و از رحمت های گسترده الهی بیش تر و بهتر توشه گیرند و به مقام تقوی نائل شوند.

در اقبال از کتاب مزبور نقل می کند که محمد بن عثمان (ره) گفته است: فرشتگان در ماه رمضان، دعاها را می شنوند و برای دعاکننده طلب آمرزش می کنند. شیخ طوسی (ره) در کتاب تهذیب، ج ۳، ص ۱۰۸، این دعا را از جمله دعا های شب های ماه مبارک رمضان آورده است؛ و مرحوم مجلسی نیز در بحار، ج ۲۴، ص ۱۶۶ و در زاد المعاد، این دعا را به حضرت ولی عصر (ارواحنا لله الفداء) نسبت می دهد.

۱. نُوَابِ خَاصِّ حَضْرَتِ مَهْدِي (ع) در دوران غیبت صغری چهار تن از اصحاب با سابقه امامان و از علمای پارسا و بزرگ شیعه بودند که نواب اربعه نامیده شده اند. ایشان به ترتیب زمانی عبارت بودند از: ۱ - ابوعمر، عثمان بن سعید عمری؛ ۲ - ابوجعفر، محمد بن عثمان بن سعید عمری؛ ۳ - ابوالقاسم حسین بن رُوحِ نوبختی ۴ - ابوالحسن علی بن محمد سَمُرِي (رضوانُ اللهُ عَلَيْهِم). برای شرح احوال این نواب، به این منابع رجوع شود: حائری یزدی، حاج شیخ علی، الرامُ النَّاصِبِ فِي اثْبَاتِ الْحُجَّةِ الْعَائِبِ، منشورات مؤسسه الاعلمی، بیروت، ط ۴، ۱۳۹۷ق / ۱۹۷۷م، ج ۱، ص ۴۲۴؛ صافی گپایگانی، لطف الله، مُنْتَخَبُ الْأَثَرِ فِي الْإِمَامِ الثَّانِي عَشَرَ، تهران، منشورات صدر، ط ۳، ص ۳۹۲ به بعد. قزوینی، سید محمد کاظم، الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى الظُّهُورِ، منشورات مؤسسه التور للمطبوعات، بیروت، ط ۱، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۵م، ص ۱۹۳؛ طبرسی، فضل بن حسن، تاجُ الْمَوْلِيدِ فِي مَوْلِيدِ الْأَثَمَةِ وَ وَفِيَاتِهِمْ (ضمن مَجْمُوعَةٌ نَفِيسَةٌ حَاطِيَةٌ لِزَسَائِلِ شَرِيفَةِ أَمْرٍ بَطْبَعَهَا آيَةُ اللَّهِ الْمَرْعُشِيُّ النَّجْفِيُّ، منشورات مکتبه بصیرتی قم رمضان ۱۳۹۶، ص ۱۴۲ به بعد).

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^۱؛

«روزه بر شما همانند پیشینیان نوشته شده است؛ باشد که به مقام تقوی و صیانت نفس نائل آید».

یعنی همان گونه که رحمت را بر خود نوشته، روزه را بر شما نوشته است.

و این هر دو مقتضی لطف عمیم او است چنان که می فرماید:

... كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ^۲؛

«پروردگارتان رحمت را بر خود فرض کرده است؛ و هر کس به سوی او باز گردد و خود را اصلاح کند مشمول رحمت و مغفرت او می شود».

پروردگار شما سرچشمه همه رحمت ها و خوبی ها است و او است که ماه مبارک رمضان را ماه رحمت قرار داده و بندگانش را به میهمانی فراخوانده است، از این رو سزاوار است که مؤمنان از دقیق و ساعات این ماه به خوبی بهره گیرند چرا که هیچ ماهی به فضیلت و شرافت این ماه نمی رسد.

رسول خدا درباره فضیلت این ماه خطبه ای ایراد کرد و در قسمتی از آن فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ. شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِيِ وَ سَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ. هُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاقَةِ اللَّهِ وَ جُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ. أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ، وَ نَوْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ، وَ عَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ، وَ دُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ. فَاسْتَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِيَّاتٍ صَادِقَةٍ وَ قُلُوبٍ ظَاهِرَةٍ أَنْ يُؤَفِّقَكُمْ لِصِيَامِهِ وَ تِلَاوَةِ كِتَابِهِ؛ فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حُرِمَ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ...^۳

۱. بقره: ۱۸۳

۲. انعام: ۵۴؛ و در آیه ۱۲ همین سوره می فرماید: «كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ».

۳. الشیخ البهائی، الأربعون، تصحیح عقیقی بخشایشی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ص ۷۲؛ شیخ صدوق ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی، عیون اخبار الرضا (ع)، با مقدمه: السید محمد مهدی السید حسن الخراسان، النجف، منشورات المطبعة الحیدریة، ۱۳۹۰ق / ۱۹۷۰م، ج ۱، ص ۲۳۰؛ مجلسی محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، لبنان، مؤسسه الوفاء، ط ۳، ۱۴۰۳ق ۱۹۸۳م، ج ۹۳، ص ۲۵۶، کتاب الصوم، حدیث ۲۵؛ مجلسی محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، تعلیق سید حسن موسوی کرمانی و حاج شیخ علی پناه اشتهاردی،

شیخ بهائی (ره) می‌نویسد: حدیث نهم درباره فضیلت روزه است با سندی که می‌رسد به شیخ جلیل‌القدر و بزرگوار، ثِقَّةَ الاسلام محمد بن بابویه (ره)، به نقل از احمد بن حسن قَطَّان، از احمد بن محمد بن سعید هَمْدانی از علی بن حَسَن بن علی فَضَّال از پدرش از امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا، از پدرش امام موسی بن جعفرِ الكاظم، از پدرش امام جعفر بن مُحَمَّدِ الصَّادِق، از پدرش امام مُحَمَّد بن عَلِيِّ الباقِر، از پدرش امام عَلِيِّ بن الحسین زَین العابدین، از پدرش سَيِّد الشَّهَداء امام حسین بن علی، از پدرش سیدالوصیِّین امیرالمؤمنین عَلِيِّ بن ابی‌طالب علیه السلام که رسول خدا روزی ما را مورد خُطاب قرار داد و فرمود:

«مردم! ماه رمضان با برکت و رحمت و مغفرت به شما روی آورده است. ماهی که در نزد خدا از بهترین ماه‌ها و روزهای آن از بهترین روزها و شب‌های آن از بهترین شب‌ها و ساعات آن از بهترین ساعت‌ها است. ماهی که در آن به مهمانی خدا فراخوانده شده‌اید و شایسته کرامت خدا قرار گرفته‌اید. نفس‌های شما در آن ذکر و تسبیح و خوابتان در آن عبادت و عملتان در آن مقبول و دعائتان در آن مستجاب است. پس آفریدگار خود را با نیت‌های راست و صادق و قلب‌های پاک و طاهر بخوانید تا شما را به روزه‌داری و تلاوت قرآن در این ماه موفق بدارد بدبخت کسی

مطبعة العلمية، قم، ۱۳۹۵ هـ.ق، ناشر: بنیاد فرهنگ اسلام؛ حاج محمد حسین کوشانپور، ج ۳، ص ۲۷۷؛ الاقبال، ابن طاووس السید رضی الدین، ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق / ۱۳۴۹ش، ط ۲، ص ۱؛ شیخ صدوق أبوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی، آمالی الصدوق، بیروت منشورات مؤسسة الاعلمي للمطبوعات ۱۴۰۰ق، ط ۵، مجلس ۲۰، ص ۸۴؛ الحز الغاملي، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت منشورات دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق، ط ۴، ج ۷، ص ۲۲۷، کتاب الصوم، أبواب احکام شهر رمضان؛ جامع احادیث الشیعه، قم، منشورات المطبعة العلمية، ۱۳۹۷ق، ج ۹، ص ۱۹، حدیث ۲۰؛ الوافی، الفیض الکاشانی، قم، منشورات مکتبه آیه الله المرعشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۵۳، باب فضل شهر رمضان.

احادیث دیگری نیز درباره فضیلت روزه ماه مبارک آمده است؛ رجوع شود به: شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، من لا یحضره الفقیه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق، ط ۵، ج ۲، ص ۴۴ به بعد، باب فضل الصیام؛ آمالی الصدوق، همان، ص ۵۳-۴۴ به بعد؛ شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ط مکتبه الصدوق، تهران، کتابفروشی کتبی نجفی، قم، به تصحیح علی‌اکبر غفاری، بی‌تا، ص ۸۸ به بعد، باب فضل شهر رمضان و ثواب صیامه.

است که از مغفرت و آمرزش الهی در این ماه بزرگ بی بهره بماند...». بنابراین باید از دقایق و ساعات این ماه هرچه بیش تر استفاده کرد و خود را در معرض نسیم رحمت الهی قرار داد که همیشه نمی‌وزد. استفاده از فرصت‌های مناسب و بهره‌برداری از شرایط مساعد، رمز موفقیت و پیروزی در جمیع شئون مادی و معنوی است. عاقل‌تر از همه کسانی هستند که همواره از شرایط موجود استفاده می‌کنند و هیچ فرصتی را به رایگان از کف نمی‌دهند؛ زیرا فرصت‌هایی که در زندگی پیش می‌آید ناپایدار و زودگذر است و چه بسا بزرگ‌ترین فرصت‌ها بر اثر کم‌ترین مسامحه و سهل‌انگاری از کف می‌رود و برای انسان تنها حسرت و ندامت باقی می‌ماند از این رو اولیاء گرامی اسلام در برنامه‌های تربیتی خود همواره به این نکته هشدار داده‌اند که فرصت‌ها را غنیمت شمارید که مانند ابرها زودگذر و ناپایداراند.

پیامبر اکرم فرموده‌اند: **إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ؛ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا!**؛

«در ایام زندگی شما لحظاتی فرا می‌رسد که نسیم‌های حیات بخش ربوبی می‌وزد. بکوشید تا از آن فرصت‌ها استفاده کنید و خویشتن را در معرض آن قرار دهید». و در حدیث دیگر فرمود: **مَنْ فَتَّحَ لَهُ بَابَ خَيْرٍ فَلْيَنْتَهِزْهُ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَتَى يُعَلِّقُ عَنْهُ؟** «آن‌کس که برای او در خیری گشوده شد آن را غنیمت بشمارد و از فرصت استفاده کند؛ زیرا نمی‌داند چه هنگام آن در به رویش بسته می‌شود».

بی‌تردید ماه مبارک رمضان از ایامی است که نسیم‌های رحمت الهی در آن می‌وزد و هر لحظه از این ماه به‌ویژه شب‌ها و سحرهای آن فرصتی است مناسب و استثنایی که اگر به‌خوبی از آن بهره‌نگیریم جز حسرت و ندامت بهره‌ای نخواهیم داشت. پس

۱. فیض کاشانی، محسن، المَحَجَّةُ البَيضاءُ فِي تَهذِيبِ الإِحْيَاءِ، قم، انتشارات اسلامی، بی تا، ج ۵، ص ۱۵.
 ۲. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، تهران، منشورات المكتبة الإسلامية، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۳۵۰، بابِ اشْتِجَابِ انْتِهَازِ فُرُصِ الخَيْرِ...
 درباره اغتنام فرصت احادیث دیگری از ائمه معصومین (ع) رسیده است، که برخی از آنها را در کتاب «نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی» نشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۴، سال ۱۳۷۴، ص ۴۶۹ با عنوان «غنیمت شمردن فرصت‌ها» یادآور شده‌ایم.

سزاوار است مؤمنان حداقل قسمتی از آن را به قرائت قرآن و ذکر و دعا و مناجات و راز و نیاز و نماز بگذرانند.

در کتاب‌های دعا برای روزها و شب‌های این ماه دعاهایی با مضامین عالیه از ائمه معصومین رسیده است که از جمله آن‌ها دعای افتتاح است. این دعا مخصوص شب‌های ماه مبارک رمضان است و اولیاء و بزرگان دین به خواندن آن اهتمام داشتند.

فصل اول: دعا و آداب آن

معنای دعا

دعا به معنای خاص، یعنی خواستن و فراخواندن و صدا کردن و در اصطلاح دینی یعنی خدای را خواندن و یا چیزی از وی خواستن؛ اما معنای عام آن شامل ذکر، تهلیل، تسبیح، حمد، استغفار و هرگونه ارتباط با خدای متعال است. از این رو چنانچه به طور مطلق در کلام بیاید شامل تمام انواع دعا می‌شود. چنان‌که دعای افتتاح نیز مشتمل بر ذکر و تسبیح، تحمید و تهلیل، صلوات و خواسته‌ها و تقاضاهایی از خداوند متعال است. ولی اگر واژه دعا در برابر سایر اذکار گفته شود معنای خاص از آن اراده می‌شود، چنان‌که در حدیث شریف از پیامبر اکرم آمده است:

مَا مِنَ الذِّكْرِ شَيْءٌ أَفْضَلُ مِنْ قَوْلٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مَا مِنَ الدُّعَاءِ شَيْءٌ أَفْضَلُ مِنَ
الِاسْتِغْفَارِ؛ ثُمَّ تَلَا: «فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِدُنْبِكَ»^۲؛

«هیچ ذکری برتر از لا اله الا الله و هیچ دعایی افضل از استغفار نیست؛ سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمود که: آگاه باش خدایی جز او نیست و برای گناہانت بخشش بخواه».

۱. تهلیل یعنی گفتن ذکر «لا اله الا الله»، تسبیح یعنی گفتن ذکر «سُبْحَانَ اللَّهِ»، حمد یعنی گفتن ذکر «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و استغفار یعنی گفتن «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ».

۲. بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۲۰۴.

در این حدیث، ذکر توحید در برابر دعا قرار گرفته است و مقصود از دعا در این جا عرض حاجت است.

هدف از دعا

دعاهای وارده از ائمه معصومین با مضامین عالیه‌ای که دارند تنها یک مقصد را تعقیب نمی‌کنند بلکه چندین هدف را در پی دارند. البته هر کس به اندازه معرفت و استعدادش از دعا و راز و نیاز با خدا بهره می‌گیرد و حس خداجویی و خداخواهی و عرفان دینی خویش را اشباع می‌کند و در حقیقت بنده در مقام دعا خود را در پیشگاه خدا می‌بیند و او را با اسماء حسنی و صفات علیا می‌خواند و با محبوب خود با اسماء و صفاتی که نشانگر زیبایی خوبی و توانایی و رحمت و علم و قدرت و جلال و عظمت و کمال و منزلت او است سخن می‌گوید و راز و نیاز می‌کند و با این ذکر خود را در مقام قرب می‌بیند و به تدریج از مرحله ذکر زبانی و ظاهری به ذکر قلبی و باطنی می‌رسد و از اعماق قلبش «یا الله» و «یا رحمان» می‌گوید و به او عشق می‌ورزد و پاسخ خویش را از سوی پروردگار دریافت می‌کند که خود فرموده است:

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ؛^۱

«پس به یاد من باشید تا من شما را یاد کنم و شکر مرا گوئید و کفران نعمت نکنید».

و نیز می‌فرماید:

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ...^۲؛

«و آنگاه که بندگان من مرا از تو می‌جویند، (بگو) من نزدیکم و به دعای آن که مرا می‌خواند پاسخ می‌گویم... پس آن‌ها نیز دعوت مرا اجابت کنند و ایمان آورند...».

و نیز می‌فرماید:

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ

۱. بقره، ۱۵۲.

۲. بقره، ۱۸۶.

الْأَرْضِ؛ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا، سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛

«آنان که با عقل و خرد به جهان هستی می نگرند و در همه حال ایستاده، نشسته و برپهلوی خفته خدای را یاد می کنند و در اسرار آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند و با زبان حال و قال می گویند: بار الها این جهان هستی را بیهوده نیافریده ای؛ منزهی تو، ما را از عذاب دوزخ بازدار.»

از ابن عباس در تفسیر این آیه آمده است:

أَيُّ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَالسَّفَرِ وَالْحَضَرِ، وَالْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَالْمَرَضِ وَالصِّحَّةِ، وَالسِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ^۱؛

یعنی: «در همه حال، شب و روز، در دریا و خشکی، در سفر و حضر، در غنا و فقر، در بیماری و سلامت، و در پیدا و نهان، به یاد خدا هستند.»

نشانه ایمان و نشانه نفاق

از قرآن مجید استفاده می شود که: یاد خدا از روی بندگی و اخلاص، نشانه ایمان و غفلت و کسالت و ریا علامت نفاق است.

چنان که می فرماید:

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا^۲؛

«منافقان از در مکرو فریب با خدا وارد می شوند، درحالی که خداوند با معامله به مثل، فریبشان داده و نقشه هاشان را نقش بر آب می کند؛ و هنگامی که برای نماز برمی خیزند با کسالت می ایستند و در نزد مردم ریا می کنند و خدا را جز اندک یاد نمی کنند.»
و «ذکر اندک آنان» هنگامی است که با مؤمنان روبه رو می شوند، ولی در نهان به یاد

۱. آل عمران، ۱۹۱

۲. فیض کاشانی، المَحْجَةُ الْبَيْضَاء، ج ۲، ص ۲۶۶، کتاب الأذکار والدَعَوَات، فِي فَضِيلَةِ الذِّكْرِ...؛ سیوطی، عبدالرحمن؛ الذُّرُّ الْمَنْثُور فِي التَّفْسِيرِ بِالْمَأْتُور، قم، منشورات مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۲۰۴.

۳. نساء، ۱۴۲

خدا نیستند؛ چنان که امیر مؤمنان (ع) در این باره می فرماید:

مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي السِّرِّ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ إِنَّ الْمُتَأَفِّقِينَ كَانُوا يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَلَانِيَةً
وَلَا يَذْكُرُونَهُ فِي السِّرِّ؛ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: يُرَاؤُنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا؛

«هر کس خدای عزوجل را در نهان یاد کند، خدا را بسیار یاد کرده؛ همانا منافقان آشکارا پیش مسلمانان ذکر خدا می کردند ولی در نهان به یاد خدا نبودند»، سپس حضرت همین آیه را که گذشت تلاوت فرمود.

منافقان گاهی برای تظاهر به یاد خدا هستند یعنی در برابر مردم خدا را می خوانند ولی در نهان به یاد خدا نیستند و از ذکر کثیر یعنی ذکر قلبی و خفی محرومند.

آنها تنها هنگامی که مؤمنان را می بینند خدا را یاد می کنند و وقتی با کافران می نشینند می گویند ما با شما هستیم؛ اما مؤمنان در همه حال حتی در میان غافلان نیز به یاد خدا هستند و هیچگاه او را فراموش نمی کنند. چنان که پیامبر اکرم فرموده اند:

ذَاكِرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ عَنِ الْفَارِيزِ وَالْمُقَاتِلِ عَنِ الْفَارِيزِ لَهُ الْجَنَّةُ؛

«یادکننده خدای عزوجل در میان غافلان، مانند رزمنده ای است که به جای فراریان می جنگد؛ و هر که به جای سربازان فراری پیکار کند، بهشت از آن اوست».

امام صادق (ع) فرمود:

الذَّاكِرُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ فِي الْمُحَارِبِينَ^۳؛

«کسی که در میان غافلان خدای عزوجل را یاد کند مانند جنگجویی است که در برابر کافران محارب پیکار می کند».

در حدیث دیگری آمده است:

۱. الکلبینی، محمد بن یعقوب، الأصول من الکافی، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۰۱، کتاب الدعاء باب ذکر الله عزوجل في السر، حدیث ۲؛ الطباطبائی، العلامة السید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ط ۳، ۱۳۹۶ق، ج ۱۹، ص ۳۵۳.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۲، باب ذکر الله عزوجل في الغافلين، ح ۲. مرحوم فیض کاشانی از پیغمبر اکرم ﷺ اینگونه نقل می کند: «ذاکر الله في الغافلين كالمقاتل [في] الفاريز». و یا: «ذاکر الله في الغافلين كالحی بين الأموات» (المَحَجَّةُ الْبَيْضَاءُ، ج ۲، ص ۲۶۷).

۳. اصول کافی، همان، ص ۵۰۲، باب ذکر الله عزوجل في الغافلين، حدیث ۱.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَنْ ذَكَرَنِي سِرًّا ذَكَرْتُهُ عَلَانِيَةً^۱؛
 «از امام صادق (ع) نقل شده که خداوند عزوجل فرموده است: «هرکس مرا در نهان
 یاد کند من او را آشکارا یاد می‌کنم».

خدای متعال به عیسی بن مریم (ع) فرمود:
 يَا عِيسَى اذْكُرْنِي فِي نَفْسِكَ اذْكُرْكَ فِي نَفْسِي وَ اذْكُرْنِي فِي مَلِكِكَ اذْكُرْكَ فِي مَلِكِ خَيْرٍ مِنْ
 مَلِكِ الْاَدَمِيِّينَ...^۲؛
 «ای عیسی مرا در خاطر خود یاد کن، من نیز در پیش خود تورا یاد می‌آورم؛ و مرا در
 میان مردمان یاد کن، من نیز تورا در میان جمعی بهتر از جمع آدمیان (یعنی فرشتگان)
 یاد می‌کنم».

در حدیثی دیگر از امام صادق (ع) آمده است:
 إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: مَنْ شَغَلَ بِذِكْرِي عَنْ مَسْأَلَتِي أُعْطِيَتْهُ أَفْضَلُ مَا أَعْطِي مَنْ سَأَلَنِي^۳؛
 «خدای عزوجل می‌فرماید: «هرکس به سبب ذکر من از درخواست و پرسش باز
 ماند، یا یاد من او را از سوال و عرض حاجت از من باز دارد، چیزی بهتر از خواسته
 سائلان به او خواهم داد».

ذکر خدا بی اندازه است

ذکر و یاد خدا حدود و ثغور و اندازه مشخص و معینی ندارد.

چنان که در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است:
 مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ إِلَّا الذِّكْرَ فَلَيْسَ لَهُ حَدٌّ يَنْتَهِي إِلَيْهِ. فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
 الْفَرَائِضَ، فَمَنْ أَدَاهُنَّ فَهُوَ حَدُّهُنَّ؛ وَ شَهْرَ رَمَضَانَ، فَمَنْ صَامَهُ فَهُوَ حَدُّهُ؛ وَ الْحَجَّ، فَمَنْ حَجَّ
 فَهُوَ حَدُّهُ؛ إِلَّا الذِّكْرَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَرِضْ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ.
 ثُمَّ تَلَا هَذِهِ آيَةَ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أُصِيلاً»

۱. اصول کافی، همان، ص ۵۰۱، باب ذکر الله عزوجل في السر، ح: ۱؛ المَحَجَّةُ الْبَيْضَاءُ، ج ۲، ص ۲۶۸.

۲. اصول کافی، همان، ص ۵۰۲، همان باب، حدیث ۳؛ المَحَجَّةُ الْبَيْضَاءُ، همان، با اندک تفاوت.

۳. اصول کافی، همان، ص ۵۰۱، باب الاشتغال بذكر الله عزوجل، حدیث ۱؛ المَحَجَّةُ الْبَيْضَاءُ، همان.

۴. احزاب: ۴۲-۴۱

یعنی: «هیچ چیز نیست مگر اینکه برای آن حد و اندازه‌ای است که به آن پایان می‌پذیرد؛ مگر ذکر خدا که مرز و پایانی ندارد. خدای عزوجل فرایض را واجب کرده، و هر که آن را به جای آورد به حد و پایانش رسیده است یعنی وظیفه‌اش را انجام داده است. خدا ماه رمضان را واجب کرده، هر کس آن را روزه بدارد همان حد او است؛ و حج را واجب کرده و هر کس مناسک آن را انجام دهد حج را به پایان رسانده است؛ مگر ذکر که به راستی خدای عزوجل به اندک آن راضی نشده و حدی برای آن قرار نداده تا به آن پایان یابد. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را بسیار یاد کنید و هر صبح و شام او را تسبیح گوید».

فَقَالَ: لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَدًّا يَنْتَهِي إِلَيْهِ؛ وَ كَانَ أَبِي (ع) كَثِيرَ الذِّكْرِ لَقَدْ كُنْتُ أَمْشِي مَعَهُ وَ إِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ وَ آكُلُ مَعَهُ الطَّعَامَ وَ إِنَّهُ لَيَذْكُرُ اللَّهَ وَ لَقَدْ كَانَ يُحَدِّثُ الْقَوْمَ وَ مَا يَشْغَلُهُ ذَلِكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ، وَ كُنْتُ أَرَى لِسَانَهُ لَأَزِقًا بِحَنَكِهِ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ كَانَ يَجْمَعُنَا فَيَأْمُرُنَا بِالذِّكْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ وَ يَأْمُرُ بِالْقِرَاءَةِ مَنْ كَانَ يَقْرَأُ مِنَّا وَ مَنْ كَانَ لَا يَقْرَأُ مِنَّا أَمَرَهُ بِالذِّكْرِ.

سپس فرمود: «خدای عزوجل برای ذکر حدی که به آن پایان پذیرد قرار نداده است. پدرم فراوان ذکر خدا می‌کرد. گاهی که به همراه او می‌رفتم ذکر خدا می‌کرد، و چون با او غذا می‌خوردم یاد خدا می‌کرد، و هنگامی که با مردم سخن می‌گفت، سخن گفتن، او را از یاد خدا باز نمی‌داشت؛ و من می‌دیدم زبانش را که بکامش چسبیده بود و لا اله الا الله می‌گفت؛ و پیوسته ما را جمع می‌کرد و به ذکر خدا می‌خواند تا آفتاب طلوع کند و به هر کدام ما که خواندن قرآن را می‌دانستیم به قرآن خواندن دستور می‌داد و به هر که نمی‌دانست (کوچک بود و هنوز قرآن را یاد نگرفته بود) به ذکر خدا امر می‌کرد و ذکر خدا را به آن‌ها تعلیم می‌داد».

سپس امام صادق (ع) فرمود:

وَ الْبَيْتِ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَ يُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَكَثُرُ بَرَكَتُهُ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ تَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ، وَ يُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يُضِيءُ الْكَوْكَبُ الدَّرِّيُّ لِأَهْلِ الْأَرْضِ؛ وَ الْبَيْتِ

الَّذِي لَا يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَلَا يُذَكَّرُ اللَّهُ فِيهِ تَقَلُّ بَرَكَتُهُ وَتَهْجُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَحْضُرُهُ الشَّيَاطِينُ.

«هر خانه‌ای که قرآن در آن خوانده شود و ذکر خدای عزوجل در آن شود، برکت آن خانه زیاد می‌گردد، و فرشتگان در آنجا حضور می‌یابند، و شیاطین از آن بیرون می‌روند. این خانه مانند ستاره برای اهل آسمان‌ها می‌درخشد چنان‌که ستاره فروزان بر اهل زمین نورافشانی می‌نماید؛ و اما، خانه‌ای که در آن قرآن خوانده نشود و خدا را در آن یاد نکنند، به تدریج برکتش کم می‌شود و فرشتگان از آن دوری می‌کنند و شیاطین در آن حاضر می‌شوند.»

وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ أَعْمَالِكُمْ لَكُمْ، أَرْفَعِهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَأَرْكَانَهَا عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَخَيْرِ لَكُمْ مِنَ الدِّينَارِ وَالدِّرْهَمِ وَخَيْرِ لَكُمْ مِنْ أَنْ تَلْقَوْا عَدُوَّكُمْ فَتَقْتُلُوهُمْ وَيَقْتُلُوكُمْ؟ فَقَالُوا: بَلَى؛ فَقَالَ: ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كَثِيرًا.

ثُمَّ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: مَنْ خَيْرُ أَهْلِ الْمَسْجِدِ؟ فَقَالَ: أَكْثَرُهُمْ لِلَّهِ ذِكْرًا؛ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أُعْطِيَ لِسَانًا ذَاكِرًا فَقَدْ أُعْطِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ وَ قَالَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «وَلَا تَمُنُّنَّ تَسْتَكْثِرُونَ» قَالَ: لَا تَسْتَكْثِرُوا مَا عَمِلْتُمْ مِنْ خَيْرٍ لِلَّهِ!

در ادامه حدیث آن حضرت آمده است که: «رسول خدا فرمود: آیا شما را آگاه نکنم به بهترین کارهایتان که در درجات شما از همه کارها بالاتر و نزد خداوند بارورتر و شکوفاتر است و برای شما از دینار (طلا) و درهم (نقره) بهتر و از اینکه با دشمنان برخورد کنید و جهاد کنید و شما آن‌ها را بکشید و آن‌ها شما را بکشند نیکوتر است؟ عرض کردند: آری یا رسول الله. فرمود: خدا را فراوان یاد کنید.»

سپس امام فرمود: «مردی خدمت پیغمبر آمد و عرض کرد: بهترین کسانی که در این مسجدند کیانند؟ فرمود: آن کس که بیش تر ذکر خدا گوید؛ و هر کس که به او زبانی ذاکر داده شده، خیر دنیا و آخرت به او عطا شده است. و در پایان کلام، با اشاره به آیه شریفه «وَلَا تَمُنُّنَّ تَسْتَكْثِرُونَ» (مُدَّثَّر: ۶) امام فرمود: هیچگاه کاری را که برای خدا انجام

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۹۸-۴۹۹، باب ذکر الله عزوجل کثیراً، حدیث ۱؛ طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات تهران، دار الکتب الاسلامیه، ط ۳، ۱۳۹۶ق، ج ۱۶، ص ۳۵۲، المَحْجَةِ الْبَيْضَاء، ج ۲، ص ۲۶۸-۲۶۹.

داده ای بزرگ مشمار! (و بر دیگران منت مگذار).»

امام صادق فرمود:

شِيعَتُنَا الَّذِينَ إِذَا خَلَوْا ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا.^۱

«شیعیان ما آنهایند که هرگاه تنها باشند خدا را زیاد یاد می کنند.»

در حدیث دیگری از آن امام (ع) می خوانیم:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَ مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا كَتَبَتْ لَهُ

بِرَاءَتَانِ بِرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَ بِرَاءَةٌ مِنَ النِّفَاقِ.^۲

«رسول خدا فرمودند: «هرکس خدای عزوجل را بسیار یاد کند خداوند او را دوست

دارد؛ و هرکه ذکر خدا بسیار گوید، برای او دو برائت (یعنی منشور آزادی) نوشته شود:

برائت از دوزخ، و برائت از نفاق و دورویی.»

یادآوری

نکته ای که تذکر آن ضروری به نظر می رسد، این است که: ذکر خدا اگرچه امری فردی است و ذاکر و سالک الی الله خود به تنهایی با نام خدا و یاد خدا بسر می برد و در گوشه خلوت شاید حضور قلب بیش تری داشته باشد ولی از پاره ای از احادیث استفاده می شود که مجالس ذکر و دعا و در میان جمع بودن و نیایش و تضرع کردن و با مؤمنان همنوا شدن به رحمت و استجابت نزدیک تر است؛ چنان که در مجالس غفلت و لهو و لعب نشستن و با غافلان هم صدا شدن، انسان را از رحمت دور و به خشم و قهر الهی دچار می کند.

در این باره چند حدیث از نظرتان می گذرد:

قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مَا جَلَسَ قَوْمٌ مَجْلِسًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا حَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ وَ

عَشِيَّتُهُمُ الرَّحْمَةُ وَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِيمَنْ عِنْدَهُ.^۳

۱. اصول کافی، همان، ص ۴۹۹، حدیث ۲، المَحْجَةِ الْبَيْضَاء، همان، ج ۲، ص ۲۹۸.

۲. اصول کافی، همان، ص ۵۰۰-۴۹۹، حدیث ۳، المَحْجَةِ الْبَيْضَاء، همان، ص ۲۹۸.

۳. المَحْجَةِ الْبَيْضَاء، همان، ج ۲، ص ۲۶۹، فَضِيلَةُ مَجَالِسِ الذِّكْرِ.

پیامبر اکرم می فرمایند: «هیچ گروهی در مجلسی که به یاد خدا باشند نمی نشینند مگر آنکه فرشتگان آنان را احاطه کنند و رحمت الهی آن‌ها را فراگیرد و خدا آن‌ها را نزد مقرّبانش یاد کند».

حضرت داود(ع) به خدا عرض می کند:

إلهي إذا رأيتني أجاوزُ مجالسَ الذَّاكِرِينَ إِلَى مَجَالِسِ الْغَافِلِينَ فَكَسِرْ رِجْلِي دُونَهُمْ؛
فَإِنَّهَا نِعْمَةٌ تُنْعَمُ بِهَا عَلَيَّ.^۱

«خدایا هرگاه دیدی از مجلس اهل ذکر به مجلس اهل غفلت می روم پام را بشکن! که این پای شکستن، نعمتی ست که بر من ارزانی می داری».

امام صادق(ع) فرمود:

مَا اجْتَمَعَ فِي مَجْلِسٍ قَوْمٌ لَمْ يَذْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَمْ يَذْكُرُونَا، إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْمَجْلِسُ
حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...^۲

«مجلسی نیست که گروهی در آن اجتماع کنند و نام خدا و نام ما در آن برده نشود، مگر اینکه آن مجلس در روز قیامت موجب حسرت و ندامت آنان خواهد شد».

و در حدیث دیگری امام صادق(ع) فرمود:

مَا مِنْ مَجْلِسٍ يَجْتَمِعُ فِيهِ أَنْبَاءٌ وَ فُجَّارٌ فَيَقُومُونَ عَلَى غَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا كَانَ
حَسْرَةً عَلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.^۳

«مجلسی نیست که در آن نیکان و بدان گرد آیند و از آن مجلس برخیزند بدون ذکر خدا مگر آنکه این نشست سبب حسرت آنان در روز جزا خواهد شد».

امام سجّاد(ع) در دعای ابو حمزه ثمالی، عرض می کند:

...أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ، فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي؛ أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي أَلْفَ مَجَالِسٍ

۱. همان، ص ۲۷۰.

۲. همان، ص ۲۷۱.

۳. الکافی (ط. الإسلامیة)، ج ۲، ص ۴۹۶، بَابُ مَا يَجِبُ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كُلِّ مَجْلِسٍ، ح ۱؛ الْمَخْجَةِ الْبَيْضَاءِ، ج ۲، ص ۲۷۱.

الْبَطَّالِينَ، فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلِّتَنِي...^۱

«خدا یا شاید مرا در میان اهل غفلت یافتی، بدین جهت از رحمت ناامیدم کردی؛ یا شاید دیدی با مجالس اهل بطالت و هرزه‌گویان الفت گرفته‌ام، پس مرا میان آن‌ها واگذاشتی!»

آنچه مسلم است این است که مجلسی که یاد خدا و یاد رسول خدا و یاد ائمه اطهار(ع) در آن مجلس باشد مشمول رحمت الهی و برکات او است و مجلسی که مجلس غفلت و هرزه‌گویی و لهو و لعب باشد باعث حسرت و ندامت و پشیمانی است.^۲

مقصود از ذکر خدا و ذکر کثیر

تا اینجا به طور فشرده درباره اهمیت ذکر و ذکر کثیر احادیثی از نظر خوانندگان گرامی گذشت؛ ولی در اینجا سؤالی پیش می‌آید: مقصود از ذکر خدا و ذکر کثیر که این همه به آن توصیه و تأکید شده چیست و این کدام ذکر است؟

بی‌شک، ذکر خدا شامل هر ذکر است که خدا را به یاد آورد؛ ولی در بعضی روایات به مصادیقی برای «ذکر» و «ذکر کثیر» اشاره شده که به عنوان مصداق اکمل و اتم آمده و دلیل بر انحصار نیست؛ از جمله در برخی احادیث، به تسبیح حضرت زهرا(ع) (۳۴) بار الله اکبر، ۳۳ بار الحمد لله و ۳۳ بار سبحان الله تفسیر شده که پس از هر نماز و هنگام خوابیدن بر آن بسیار تأکید شده است. بعضی مفسران، «ذکر کثیر» را به ذکر صفات علیا و اسماء حسنی و تسبیح و تنزیه پروردگار تفسیر کرده‌اند. از امام صادق(ع) نقل شده است:

۱. مصباح المتهجد و سبلح الممتعبد، شیخ طوسی(ره)، ج ۲، ص ۵۸۸.

۲. ظاهراً این احادیث ناظر به این جهت است که اجتماع مسلمانان و مؤمنان در صورتی مطلوب و مرضی خداوند است که از ذکر خدا خالی نباشد و در غیر این صورت آن مجلس، مجلس بطلان و غافلان بوده و ورود در این گونه مجالس موجب غفلت و دوری از رحمت خدا خواهد شد؛ اما این که آیا دعا و ذکر گروهی بهتر است یا ذکر فردی؟ این روایات ظاهراً در مقام بیان آن نمی‌باشد؛ البته از احادیث دیگر استفاده می‌شود که دعا در جمع به اجابت نزدیک‌تر است.

مَنْ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا.^۱

«هر کس تسبیح حضرت زهرا(ع) را بگوید، ذکر کثیر خدا را گفته است.»
بی تردید، تفاسیری که در این باره آمده است از بیان مصداق کامل است نه تخصیص مفهوم آیه به خصوص این مصداق؛ بنابراین، ذکر کثیر خداوند و تسبیح او، در هر صبح و شام، اختصاص به ذکر خاصی ندارد؛ گرچه بعضی از اذکار کامل‌تر و اولی است.

ذکر لا اله الا الله

از برخی روایات استفاده می‌شود که بالاترین ذکر، تهلیل (لا اله الا الله) است.
در این باره احادیث فراوانی از طرق شیعه و اهل سنت وارد شده است.
در حدیث سلسله الذهب از امام رضا(ع) چنین نقل شده است:
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: كَلِمَةٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِضْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِضْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي.^۲
«کلمه لا اله الا الله حصار من است؛ و هر کس در این قلعه و حصار وارد شود از عذاب من در امان خواهد بود.» با توجه به این تعبیر، می‌توان گفت که «لا اله الا الله» بالاترین ذکر خدا است.

ذکر جامع

مفضل گوید:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ(ع): جُعِلْتُ فِدَاكَ، عَلَّمَنِي دُعَاءَ جَامِعًا. فَقَالَ لِي أَحْمَدُ اللَّهُ فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى أَحَدٌ يُصَلِّي إِلَّا دَعَا لَكَ، يَقُولُ: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ!^۳
«به امام صادق(ع) عرض کردم: قربانت شوم، دعای جامعی تمام و کامل به من

۱. طبرسی، فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق، ج ۷-۸، ص ۳۶۲. وجوه دیگری نیز برای «ذکر کثیر» در همین مدرک آمده است. نیز: المَحْجَةُ الْبَيْضَاء، همان، ج ۲، ص ۲۷۴.
۲. المَحْجَةُ الْبَيْضَاء، ج ۲، ص ۲۷۴؛ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِضْنِي؛ فَمَنْ دَخَلَ حِضْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي» (عیون أخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۳۵).
۳. اصول کافی، همان، ج ۲، کتاب الدعاء، ص ۵۰۳، باب التحمید و التمجید، حدیث ۱.

بیاموز. فرمود: خدا را ستایش کن؛ زیرا هیچ نمازگزاری نیست جز اینکه برای تودعا کند؛ چه هر نمازگزاری در نماز می گوید: سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، یعنی خدایا اجابت کن و بپذیر سخن کسی را که تو را ستایش کند».

نیز، امام صادق (ع) می فرماید:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَحْمَدُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ [ثَلَاثِمِائَةٍ وَ] سِتِّينَ مَرَّةً، عَدَدَ عُزُوقِ الْجَسَدِ، يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ.^۱

یعنی: «روش رسول خدا چنان بود که روزی ۳۶۰ بار خدا را حمد و ستایش می کرد، به شماره رگ های بدن؛ و خدا را این گونه حمد می کرد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ» ستایش فراوان مخصوص پروردگار جهانیان است در هر حال».

ذکر خدا و ترک گناه

یکی از مصادیق بارز و روشن ذکر خدا، یاد خدا در برخورد با گناه است. در حدیث آمده است:

عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أَعْيَنَ، قَالَ: كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا يَسْأَلُونَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ أَشْيَاءَ وَ أَمْرُونِي أَنْ أَسْأَلَهُ عَنْ حَقِّ الْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ. فَسَأَلْتُهُ: فَلَمْ يُجِبْنِي. فَلَمَّا جِئْتُ لِأَوْدِعَهُ، فَقُلْتُ: سَأَلْتُكَ فَلَمْ تُجِبْنِي! فَقَالَ: إِنِّي أَخَافُ أَنْ تَكْفُرُوا! إِنَّ مِنْ أَشَدِّ مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ ثَلَاثًا: إِنْصَافَ الْمَرْءِ مِنْ نَفْسِهِ حَتَّى لَا يَرِضَى لِأَخِيهِ مِنْ نَفْسِهِ إِلَّا بِمَا يَرِضَى لِنَفْسِهِ مِنْهُ؛ وَ مُوَاسَاةَ الْأَخِ فِي الْمَالِ؛ وَ ذِكْرَ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ، لَيْسَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ؛ وَ لَيْكُنْ، عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَيَدْعُهُ.^۲

عبدالاعلی بن اعین می گوید: «بعضی از دوستان و یاران ما نامه هایی به امام صادق (ع) نوشتند و از او مطالبی پرسیدند و مرا امر کردند که نظر حضرت را درباره

۱. اصول کافی، همان، ح ۲. احادیثی دیگر هم در فضیلت «لا اله الا الله» آمده است؛ رک: ثواب الاعمال صدوق (ره)، ص ۲۳-۱۵.

۲. اصول کافی، ج ۲ ص ۱۷۰، کتابُ الايمان و الكفر، بابُ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَخِيهِ، حدیث ۳. و شیخ طوسی به طور مختصر آن را آورده: آمالی الطوسی، نشر دار الثقافه، قم، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۰، حدیث ۱۴۴۶؛ و ص ۶۶۵، ح ۳۹۳؛ و ص ۸۸، ح ۱۳۵؛ و ص ۵۷۷، ح ۱۱۹۲.

حق مسلمان بر برادر دینی اش جو یا شوم. من پرسیدم و حضرت پاسخی نداد. تا آن گاه که برای خدا حافظی به خدمت ایشان رسیدم و عرض کردم: از شما سؤالی کردم که شما جوابی به آن ندادید! فرمود: می ترسم حقیقت را بگویم و شما عمل نکنید و کافر شوید! همانا از سخت ترین واجبات خدا بر خلقش سه چیز است:

۱- رعایت عدل و انصاف میان خود و دیگران، به گونه ای که نپسندد برای برادر مسلمان خود جز چیزی را که برای خود می پسندد.

۲- آنکه مال خود را از برادران مسلمان مضایقه نکند، و با آن ها به مواسات رفتار کند.

۳- همواره خدا را یاد کند؛ و مقصود از یاد خدا کردن این نیست که پیوسته **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ** بگوید؛ گرچه این هم از مصادیق ذکر است؛ لکن مقصود آن است که هرگاه با کار حرامی روبه رو شد، خدا را به یاد آورد و مرتکب گناه نشود.

ذکر «یا الله» و «یا رب»

از اذکار وارده، ذکر «یا رب» و «یا الله» است.

مرحوم فیض کاشانی حدیثی نقل می کند که امام صادق (ع) فرمود:

مَنْ قَالَ: يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، عَشْرَ مَرَّاتٍ، قِيلَ لَهُ: لَبَّيْكَ مَا حَاجَتُكَ؟^۱

«هرکس ده بار بگوید: یا الله یا الله، به او پاسخ داده می شود: لبیک، حاجت چیست؟»

و در حدیث دیگری فرمود:

مَنْ قَالَ عَشْرَ مَرَّاتٍ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ، قِيلَ لَهُ: لَبَّيْكَ مَا حَاجَتُكَ؟^۲

«کسی که ده بار بگوید: یا رب یا رب، به او گفته می شود: لبیک، چه حاجت داری؟»

در مصباح الشریعه حدیثی از امام صادق (ع) نقل می کند که فرمود:

مَنْ كَانَ ذَاكِرًا لِلَّهِ عَلَى الْحَقِيقَةِ فَهُوَ مُطِيعٌ وَ مَنْ كَانَ غَافِلًا عَنْهُ فَهُوَ عَاصٍ، وَ الطَّاعَةُ

عَلَامَةُ الْهُدَايَةِ وَ الْمَعْصِيَةُ عَلَامَةُ الضَّلَالَةِ وَ أَصْلُهُمَا مِنَ الذِّكْرِ وَ الْغَفْلَةِ.

«هرکسی که از روی حقیقت به یاد خدا باشد، نه تنها به زبان بلکه با دل و زبان، او

۱. المَحْجَةُ الْبَيْضَاء، ج ۲، ص ۲۷۶؛ الکافی (ط. الإسلامية)، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲. همان و اصول کافی، ج ۲، ص ۵۲۰، کتاب الدعاء، باب من قال: یا رب یا رب، حدیث ۱.

مطیع خدا خواهد بود؛ و هرکس از او غافل باشد گنهکار است؛ زیرا طاعت نشانه هدایت و گناه و معصیت نشانه گمراهی و ضلالت است و ریشه این دو، ذکر و غفلت است. یعنی ریشه طاعت، ذکر؛ و ریشه ضلالت، غفلت است.

فَأَجْعَلْ قَلْبَكَ قِبْلَةً لِلِّسَانِكَ، لَا تُحَرِّكْهُ إِلَّا بِإِشَارَةِ الْقَلْبِ وَ مُوَافَقَةِ الْعَقْلِ وَ رِضَى الْإِيمَانِ.
«بنابراین دل خود را قبله زبانت قرار ده، و آن را بدون اشاره قلب و موافقت عقل و رضای ایمان حرکت مده.»^۱ یعنی نخست اندیشه کن، آنگاه سخن بگو.

فَإِنَّ اللَّهَ عَالِمٌ بِسِرِّكَ وَ جَهْرِكَ [وَ هُوَ عَالِمٌ بِمَا فِي الصُّدُورِ فَضَلًّا عَنْ غَيْرِهِ؛ وَ كُنْ كَالْتَّائِعِ رُوحَهُ أَوْ كَالْوَاقِفِ فِي الْعَرْضِ الْأَكْبَرِ غَيْرِ شَاغِلٍ نَفْسَكَ عَمَّا عَنَّاكَ مِمَّا كَلَّمَكَ بِهِ رَبُّكَ فِي أَمْرِهِ

۱. امیرمؤمنان علی(ع) در این باره فرموده‌اند: «لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَخْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ» (نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۴۷۶، حکمت ۴۰) «زبان عاقل در پشت قلب او جای دارد و قلب احمق پشت زبان او است.» مرحوم سید رضی هنگامی که این جمله را در نهج البلاغه نقل می‌کند می‌گوید: این از کلمات شگفت‌انگیز و پُرارزش مولی امیرالمؤمنین(ع) است و مقصود این است که انسان عاقل زبان خود را پیش از مشورت کردن و اندیشیدن به سخن نمی‌گشاید؛ ولی احمق قبل از اینکه فکر و اندیشه کند سخن می‌گوید و همین معنی به عبارت دیگر از آن حضرت آمده است که فرموده‌اند: «قَلْبُ الْأَخْمَقِ فِي فِيهِ وَ لِسَانُ الْعَاقِلِ فِي قَلْبِهِ» (همان، حکمت ۴۱) «قلب احمق در دهان او، و زبان عاقل در قلب او است.»

در نهج البلاغه مرحوم فیض الاسلام (ج ۶، ص ۱۱۰۶ و ۱۱۰۷) نیز، همین دو حکمت آمده است. خلاصه آنکه: انسان باید هنگام سخن گفتن، تأمل کند و بیهوده سخن نگوید که اگر در گفتار زمام اختیار از کف دهد عواقب سوء و زیان باری گریبان‌گیرش خواهد شد.

سعدی گوید: اول اندیشه، وانگهی گفتار پای بست آمده است و پس دیوار کلیات سعدی، تصحیح محمد علی فروغی، انتشارات علمی، بی‌تا، ص ۷۹).

هم او نیز گوید:

سخندان پرورده، پیر کهن

بیندیشد آنکه بگوید سخن

مزن بی تأمل به گفتار، دم

نکو گوی، گردیر گویی چه غم؟

بیندیش، وانگه برآور نفس

وزان پیش بس کن که گویند: بس!

به نطق آدمی برتر است از دواب

دواب از تو به گر نگوئی صواب! (همان، ص ۷۸).

وَنَهِيهِ وَوَعْدِهِ وَوَعِيدِهِ [وَاغْسِلْ قَلْبَكَ بِمَاءِ الْحُزْنِ]¹ وَلَا تَشْغَلْهَا بِدُونِ مَا كَلَّفَكَ.

«زیرا خداوند به نهان و آشکارت دانا و آگاه است و هرچه در دل تو خطور می‌کند و ظاهر نکرده‌ای، می‌داند؛ تا چه رسد به آنچه ظاهر کرده‌ای. مانند کسی باش که در دنیا درحال احتضار و جان‌کندن است و یا مانند کسی باش که در روز قیامت برای حساب آماده شده است. خود را به چیزی جز آنچه خداوند از تو خواسته و تکلیف کرده از امر و نهی و وعده و وعید مشغول مکن؛ و دل خود را با آب حزن و اندوه شستشوده و خود را به کم‌تراز تکلیف او مشغول منما، یا خود را به غیر از وظیفه الهی مشغول مکن.»

وَاجْعَلْ ذِكْرَ اللَّهِ مِنْ أَجْلِ ذِكْرِهِ لَكَ فَإِنَّهُ ذَكَرَكَ وَهُوَ غَيْبٌ عَنْكَ فَذِكْرُهُ لَكَ أَجَلٌ [وَأَسْنَى] وَآشَهَى وَآتَمُّ مِنْ ذِكْرِكَ لَهُ وَآسَبَقُ.

«و همیشه به یاد او باش؛ چرا که او همواره به یاد توست و او تو را یاد می‌کند با اینکه از تویی نیاز است؛ پس ذکر خدا مرتورا برتر و بالاتر و مطلوب‌تر و کامل‌تر و زودتر از یاد تو از اوست.»

وَ مَعْرِفَتِكَ بِذِكْرِهِ لَكَ يُورِثُكَ الْخُضُوعَ وَ الْإِسْتِحْيَاءَ وَ الْإِنْكَسَارَ وَ يَتَوَلَّدُ مِنْ ذَلِكَ رُؤْيِيهِ كَرَمِهِ وَ فَضْلِهِ السَّابِقِ [وَ تَخْلُصُ لِرُؤْيِيهِ] وَ تَصْغُرُ عِنْدَ ذَلِكَ طَاعَاتُكَ وَ إِنْ كَثُرَتْ فِي جَنْبِ مَنِيهِ.

«و شناخت تو از اینکه خداوند به یاد توست، موجب خضوع و حیاء و دل‌شکستگی تو می‌شود و از این طریق، فضل و کرم دیرین او را خواهی دید و خود را برای رضای او خالص می‌کنی و طاعت و عبادت را - هرچند بسیار - در برابر منت‌ها و بخشایش‌های او ناچیز می‌دانی.»

وَ رُؤْيِيكَ ذِكْرَكَ لَهُ تُورِثُكَ الرِّيَاءَ وَ الْعُجْبَ وَ السَّفَهَ وَ الْغِلْظَةَ فِي خَلْقِهِ وَ اسْتِكْثَارَ الطَّاعَةِ وَ نِسْيَانَ فَضْلِهِ وَ كَرَمِهِ وَ لَا تَزْدَادُ بِذَلِكَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَّا بُعْدًا وَ لَا تَسْتَجَلِبُ بِهِ عَلَى مُضِيِّ الْأَيَّامِ إِلَّا وَحْشَةً...²

۱. دو عبارت داخل [کروشه] طبق شرح مصباح الشریعة، ترجمه عبدالرزاق گیلانی (ص ۵۱ نشر پیام حق، تهران: ۱۳۷۷ش) آمده است.

۲. مصباح الشریعة، انتشارات اعلمی، بیروت: ۱۴۰۰ق، ص ۵۵-۵۶، الباب ۲۴ فی الذکر؛ گیلانی عبدالرزاق، شرح مصباح الشریعة، تطبیق و تصحیح: دکتر سیدجلال الدین محدث أرموی، ناشر: کتابخانه صدوق، تهران، ج ۲، ۱۳۶۰.